

# باورهای کهن ایرانیان



فرزانه عبدی

سرشناسه	: عبدی، فرزانه، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآور	: باورهای کهن ایرانیان / تألیف: فرزانه عبدی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۲۱۰ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۳۱ - ۶۲۷ - ۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: فرهنگ عامه - ایران - اساطیر ایرانی
موضوع	: Folklore - Iran - Mythology, Iranian
رده‌بندی کنگره	: GR ۲۹۰ / ع۲ ب ۲ ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی	: ۳۹۸ / ۰۹۵۵
شماره کتابخانه ملی	: ۵۳۹۰۱۸۰



## باورهای کهن ایرانیان

مؤلف: فرزانه عبدی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۷

چاپ مدیران: ۱۱۰۰ نسخه

۲۹۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به خیابان منیری جاوید

تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

پلاک ۱۰۵ - واحد ۳

وبسایت: [www.Arvanashr.ir](http://www.Arvanashr.ir)

ایمیل: [Arvanashr@yahoo.com](mailto:Arvanashr@yahoo.com)

## فهرست مطالب

### بخش اول

۷.....	پیشینه.....
۱۱.....	گستره اندیشه و فرهنگ ایرانیان.....
۱۹.....	اخلاق.....
۲۰.....	جزاها.....
۲۱.....	اهمیت خانواده، کشاورزی و دامداری.....
۲۳.....	روزه.....
۲۴.....	امانت‌داری.....
۲۴.....	فال‌گیری.....
۲۶.....	جدول اختیارات.....
۳۰.....	موی و ناخن.....
۳۱.....	مبدأ و معاد.....
۳۲.....	انسان پس از مرگ.....
۳۳.....	جشن اموات.....
۳۳.....	خویشکاری.....
۳۵.....	قره.....
۳۵.....	همستار.....
۳۶.....	جهان آستومند.....
۳۶.....	جهان مینوی.....

### بخش دوم

۳۷.....	آئین زروانیه.....
---------	-------------------

### بخش سوم

۴۳.....	خورشید.....
۴۵.....	مهرپرستی (میترائیسم).....
۵۰.....	تولد میترا.....

۵۱	قربانی گاو مقدس.....
۵۳	نجوم.....
۵۳	نماد میترا و درجات هفتگانه تشریف در آئین میترا.....
۵۴	۱- کلاغ.....
۵۴	۲- همسر.....
۵۴	۳- سرباز.....
۵۴	۴- شیر.....
۵۵	۵- پارسی.....
۵۵	۶- پیک خورشید.....
۵۶	۷- پیر.....
۵۶	خصوصیات اجتماعی.....
۵۶	جشن مهرگان.....

## بخش چهارم

۵۹	زرتشت.....
۶۲	زمان زندگی زرتشت.....
۶۴	زادگاه زرتشت.....
۶۵	زندگانی زرتشت.....
۶۷	آئین زرتشت.....

## بخش پنجم

۷۱	دو مینوی آغازین (آهوره مزدا و اهریمن).....
۷۱	آهوره مزدا.....
۷۲	اهریمن.....
۷۳	آفرینش آغازین.....
۷۵	هرمز (آهوره مزدا).....
۷۸	اهریمن.....

## بخش ششم

۷۹	آمشاسپندان (میهن ایزدان، آبر فرشتگان).....
۸۴	ماه‌های سال و معنی نام‌ها.....
۸۵	نام سی روز ماه و معانی آن.....

## بخش هفتم

- گیومرت (نخستین بشر آفریده اهوره مزدا)..... ۹۱
- مشی و مشیانه (نخستین مرد و زن جهان و آفرینش مردمان)..... ۹۴
- گاو یکتا آفریده (گاو نخستین)..... ۹۸
- چگونگی جانوران..... ۱۰۰
- درباره سروری جانوران..... ۱۰۵
- درباره جانوران..... ۱۰۶
- هدیوش..... ۱۰۶
- خَر..... ۱۰۷
- کرماهی (آرزِ آبی)..... ۱۰۸
- واسی (پنجاستدورا)..... ۱۱۰
- گاو آبی..... ۱۱۰
- بَبَر آبی..... ۱۱۰
- کرشفت..... ۱۱۰
- وارغَن..... ۱۱۱
- سیمرغ..... ۱۱۲
- چَمروش مرغ..... ۱۱۲
- پَرودزَن (خروس)..... ۱۱۲
- مرغ آشو زُشت (جغد، مرغ حق)..... ۱۱۴
- باز سپید..... ۱۱۴
- شاهین..... ۱۱۵
- کرکس (دالْمَن)..... ۱۱۵
- کبک..... ۱۱۵
- کاسکین (کاسکینه، کاسانه)..... ۱۱۵
- کلاغ و سارگر..... ۱۱۶
- سگ آبی..... ۱۱۶
- سگ..... ۱۱۸
- روباه..... ۱۲۱
- راسو..... ۱۲۲
- خوک..... ۱۲۲
- زُوژه (خارپشت)..... ۱۲۲
- مُشک گربه..... ۱۲۳
- گَوسَن..... ۱۲۳

## بخش هشتم

- چگونگی گیاهان، گیاهان دارویی و نخستین پزشک..... ۱۲۵

## بخش نهم

۱۳۱.....	جانوران آفریده اهریمن
۱۳۱.....	خَرْفَسْتَران
۱۳۴.....	اَرْتَنَ.....
۱۳۴.....	وَرَنَوِیشَ.....
۱۳۴.....	بُرَوَزَ.....
۱۳۵.....	وَوُزْكَ.....
۱۳۵.....	وَزَغَ.....
۱۳۵.....	زَبَری مَیْنِگورَه (سنگ پشت)
۱۳۶.....	مار بانک
۱۳۶.....	گرگ سردگان
۱۳۷.....	گَرزِه (موش)

## بخش دهم

۱۳۹.....	فَرَوهر
۱۴۰.....	نمادهای مادی امشاسپندان بر سر سفره نوروز
۱۴۱.....	عناصر و قوای طبیعت
۱۴۷.....	آتش
۱۴۹.....	آذر جشن
۱۴۹.....	جشن سده
۱۵۰.....	آب
۱۵۴.....	خاک یا زمین
۱۵۶.....	باد

## بخش یازدهم

۱۵۹.....	آفریدگان اهورایی: مینویان
۱۹۳.....	پتیاره آفریدگان: دیوان
۲۰۹.....	منابع و مآخذ

# بخش اول

## پیشینه

پیشینه برخی از اسطوره‌ها و داستان‌های پهلوانی و آئین‌هایی که باقی مانده تا دوران فرهنگ و تمدن مشترک هند و ایرانی می‌رسد و همه نشانه‌های نخستین روزگار زندگی اجتماعی این اقوام را دربردارد.

این نهادهای کهن، پس از دگرگونی سازمان‌های قبیله‌ای توسعه و تکامل یافت و به گونه قصه‌ها و روایت‌های شفاهی، جداگانه نزد هندوان و ایرانیان باقی ماند و پاره‌ای از آنها که ثبت و ضبط شده بود در مرحله معینی به عنوان بخشی از متن‌های مذهبی پذیرفته شد.<sup>۱</sup>

مذهب آریان‌های ایرانی مدت‌ها با مذهب هندی‌ها یکی بوده چنان‌که به زبان واحدی تکلم می‌کردند. ولی در قرون بعد جدایی مذهبی بین آنها روی داد. کی این جدایی روی داده محققاً معلوم نیست، ولی از کتیبه‌ای که در بوغازگ‌ای (محللی که پتریوم، پایتخت قدیم هیت‌ها، در آنجا بوده)، در آسیای صغیر به دست آمده و تاریخ آن تقریباً از ۱۳۵۰ ق. م است، استنباط می‌شود که در این زمان جدایی هنوز روی نداده بود چه نجبای میتانیان که آریانی بوده‌اند به خداهای هندی قسم یاد کرده‌اند. چون تاریخ نوشته شدن ودا، کتاب مقدس هندی‌ها، از قرن چهاردهم بالا نمی‌رود و از قرن

---

<sup>۱</sup> - جلیل، دوستخواه: اوستا کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، چاپ چهاردهم، انتشارات مروارید، تهران: ۱۳۸۸، جلد دوم، پیوست، ص ۴۷ پیشگفتار.

هشتم پایین تر نمی آید. پس تاریخ جدایی آنها بین این دو قرن یعنی قرن نهم و چهاردهم باید باشد.<sup>۱</sup>

«امیل بنونیست»<sup>۲</sup> می نویسد: «مزداپرستی شکل ایرانی آئین کهنی است که روزگاری دین مشترک اقوام هند و ایرانی بوده و از این رو در، ریگ ودا، نامه کهن دینی هندوان و اوستا، عقاید همانندی پیدا می شود که گاه با عبارت های مشابهی نیز بیان شده است. نام بسیاری از خدایان نیز قابل تطبیق است... مزداپرستی مذهبی است عملی و معنای حقیقی آن، از آئین های مذهبی فراتر است. آموزش های این دین، درس های اخلاقی را دربردارد و در عین حال با افسانه های اساطیری درآمیخته است. جدال و کشمکش دائم میان ایزدان و دیوان (نیروهای نیکی و بدی) بازتابی از شیوه زندگی قبیله ها است که همواره در نزاع بودند و لازم بود که از زمین های خود دفاع کنند یا برای دام های خود، چراگاه های تازه به دست آورند.»<sup>۳</sup>

از مطالعات محققین در مذهب هندی ها و مقایسه نتیجه آن با نتیجه مطالعات در اوستا (کتاب مقدس زرتشتی ها) این عقیده حاصل می شود، آنها معتقد به یک عده از وجودهای خیر و خوب بودند که گنج ها و ذخائر طبیعت را به انسان می رسانیدند. در میان این ذخائر، مهم تر از هرچیز، روشنایی و باران بود و نیز اعتقاد داشتند به وجودهای بد و تیره که با وجودهای خوب در جنگ بوده و نمی خواستند انسان سعادت مند باشد. شب و زمستان و خشکسالی و قحطی و امراض و مرگ و بلیات را از وجودهای بد می دانستند. معلوم است که وجودهای اولی را می پرستیدند و حمد و ثنای آنها را می گفتند یا می خواندند و برای آنها نیاز می دادند، در صورتی که ارواح بد را دشمن می داشتند و برای محفوظ ماندن از شر آنها به اورادی متوسل می شدند که بعدها باعث ترقی سحر و جادوگری شد و زرتشت بر ضد این خرافات قیام کرد.<sup>۴</sup>

«مور»<sup>۵</sup> در کتاب «تاریخ ادیان» می گوید: «هندوان از قدیم ترین زمان یعنی از زمان ظهور برهمنان، گرایش به نوعی وحدت داشتند که گاه به شکل فلسفی و زمانی به گونه وحدت وجودی درمی آمد. آنان جهان بیرونی را اعتباری و رهایی را در گسستن از این

<sup>۱</sup> - حسن پیرنیا (مشیرالدوله) و عباس اقبال آشتیانی: تاریخ مفصل ایران (از آغاز تا پایان سلسله پهلوی)، تصحیح میترا مهرآبادی، چاپ اول، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۹۰، ص ۴۱.

<sup>۲</sup> - e.benvensite

<sup>۳</sup> - جلیل دوستخواه، همان، جلد اول، ص ۴۵ پیشگفتار.

<sup>۴</sup> - حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، همان، ص ۴۱.

<sup>۵</sup> - george foot moor



جهان و کشتن دل بستگی‌ها و شهوت‌ها می‌دانستند و به گوشه‌گیری و ریاضت و اندیشه و کوشش برای پیوستن به مرحلهٔ بیخودی عقیده داشتند. اما ایرانیان غیر از هندیان بودند. به ویژه محیط سخت و خشن ایران و سرما و گرمای شدید و دیگر نیروهای چیرهٔ طبیعت، ایرانیان را به مبارزه با نیروهای چیرهٔ ناسازگار و آگاهی و کوشش وادار ساخت و روان ایرانی برخلاف روان هندی، بیشتر به زندگی عملی توجه کرد. کلیهٔ این ویژگی‌های ایرانیان در دین آنان مندرج است. از این روست که امر پیکار سخت میان نیروهای نیکی بر بدی در کار است و اگرچه بدی از آغاز و تا مدت‌ها چیرگی پیدا می‌کند اما ایرانی به پیروزی نهایی نیکی بر بدی ایمان دارد و هرگز نومید نمی‌شود و دست از پیکار نمی‌کشد. راه‌هایی آدمی در گریز از جهان نیست، آدمی باید پای در میدان گذارد و با بدی بستیزد تا پیروز شود. چیرگی این روح مردانگی و بلندهمتگی در نهاد باورداشت‌های ایرانیان بود که دین زرتشت را تکامل بخشید.<sup>۱</sup>

محققین بعد از غور در معتقدات مذهبی آریان‌های ایرانی به این نتیجه رسیده‌اند که مردمان مذکور در اعصار قبل از تاریخ، ارباب انواعی را می‌پرستیدند و اگر هرمزپرستی هم در معتقدات آنها داخل بوده در هر حال مذهب آنها به مرتبهٔ اعتقاد به خدای یگانه نرسیده بود ولی در قرون بعد و خصوصاً در اعصار تاریخی، مشاهده می‌شود که مذهب زرتشت به توحید منجر و منتهی شده زیرا تمام آمش سنپستان<sup>۲</sup> و یزت‌ها<sup>۳</sup> (ایزدها) آفریدهٔ هرمزند<sup>۴</sup> و اهریمن بالاخره مغلوب و تاریکی برطرف خواهد شد.

مسئله‌ای که طرح می‌شود این که آیا این سیر تکاملی و ترقی در معتقدات مذهبی آریان‌های ایرانی از خود آریان‌ها بوده یا از نفوذ و تأثیرات مذاهب خارجه؟ راجع به مذاهب خارجه، اولاً باید در نظر داشت که در عهد قدیم، زیرا چنانکه از تاریخ معلوم است، سومری‌ها، اکدی‌ها، کلدانی‌ها، آسوری‌ها، فینیقی‌ها، مصری‌ها و غیره به ارباب انواعی قائل بودند و مجسمهٔ آنها را می‌پرستیدند، پس ممکن نبود که این مذاهب، تأثیری در ترقی مذهب آریان‌ها داشته باشد. یونانی‌ها و رومی‌ها نیز نمی‌توانستند مؤثر

<sup>۱</sup> - جلیل دوستخواه، همان، صص ۴۳-۴۴ پیشگفتار.

<sup>۲</sup> - Spenta mainyu: عنوان مهین ایزدان یا گروه میثویان در دین مزداپرستی است که بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد را شامل می‌شود و نزدیک‌ترین میثویان به آفریدگاران و اصلی‌ترین خویشکاری‌ها در آفرینش و نگاهبانی آفریدگان و نمایش جنبه‌های گوناگون منش اهوره مزدا برعهدهٔ آنهاست. اهوره مزدا بر سر امشاسپندان (آمش سنپستان) جای دارد.

<sup>۳</sup> - فرشتگان

<sup>۴</sup> - هرمزد= اهوره مزدا= اوهرمزد= اورمزد

باشند، زیرا آنها هم با صرف نظر از بعضی حکما و دانشمندان خود، مشرک بودند و حتی وقتی که اسکندر به ایران آمد، یونانی‌ها به برتری معتقدات مذهبی ایرانیان قدیم با نظر احترام می‌نگریستند. بنابراین یگانه مذهبی که می‌توانست نفوذی در ترقی مذهب آریان‌های ایرانی داشته باشد مذهب بنی‌اسرائیل بود که بر توحید صرف بنا شده، لذا باید دید که ترقی معتقدات آریان‌های ایرانی در تحت نفوذ مذهب بنی‌اسرائیل بوده یا جهات دیگر داشته؟ آنچه از تتبعات محققین برمی‌آید اجمالاً این است که مذهب موسوی تأثیری نداشته و ترقی مذهب مزبور از خود آریان‌ها است. زیرا آریان‌های هندی هم با اینکه هیچ ارتباطی با بنی‌اسرائیل نداشتند، مستقلاً به توحید رسیده‌اند و دیگر اینکه دیده نمی‌شود که در مذهب آریان‌های ایرانی، آدابی از مذهب بنی‌اسرائیل داخل شده باشد.<sup>۱</sup>

«لومستد»<sup>۲</sup> می‌نویسد: «مبتکر آموزش‌های دینی زرتشتی، خود زرتشت و مردم آریایی نژادند. این آموزش‌ها که از ساده‌ترین عقاید آریایی کهن مایه گرفته، به تدریج تکامل یافته و به مرحله‌ای رسیده که هیچ‌یک از افکار دینی ملل آریایی در والایی و لطافت به پایه آن نرسیده است.»<sup>۳</sup>

از لحظه ورود ایرانیان به عرصه تاریخ ما به دو شکل مختلف از مذهب ابتدائی آنها برخوردار می‌کنیم یک دسته به پرستش «میترا» (در متون ایرانی میتر) مشغولند و دسته دیگر که خدای بزرگ آنها «مزدا» می‌باشد.<sup>۴</sup>

بعضی از محققین بر این عقیده‌اند که پرستش وَرَثَرَعْنَا (رب‌النوع رعد) و میتر<sup>۵</sup> (رب‌النوع آفتاب) در این زمان در مذهب آریان‌های ایرانی داخل بوده، آفتاب را چشم آسمان می‌دانستند و رعد را پسر آن.<sup>۶</sup>

چنین به نظر می‌رسد که قبل از جدا شدن دو تیره هندی و ایرانی از یکدیگر تفاوتی میان دو دسته از خدایان عمده آنها بوده است. یک دسته را دیوها<sup>۷</sup> می‌خواندند و در

<sup>۱</sup> - حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، همان، صص ۲۹۵-۲۹۶.

<sup>۲</sup> - a.t. olmstead

<sup>۳</sup> - جلیل دوستخواه، همان، ص ۴۳ پیشگفتار.

<sup>۴</sup> - آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ ششم، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۸، ص ۵۶.

<sup>۵</sup> - وَرَثَرَعْنَا بعدها وَرَهران و بعد بهرام شد. میتر، میتر و بعد مهر گردید.

<sup>۶</sup> - حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، همان، ص ۴۶.

<sup>۷</sup> - daiva

رأس آنها خدای جنگجویی به نام «ایندرا» قرار داشت و دسته دیگر را «اسوراها» (به ایرانی، اهور) می‌گفتند و سردهسته آنها «وَرُونَ»<sup>۱</sup> و «میترا»<sup>۲</sup> بود.<sup>۳</sup>

اکثر دانشمندان برآنند که مزداه ایرانیان که به معنی «دانا» و بزرگ‌ترین «اهور» می‌باشد همان «وَرُونَ» قدیم است که نام اصیلش در نزد اقوام ایرانی فراموش شده است.<sup>۴</sup>

باید گفت که آریان‌های ایرانی مانند آریان‌های هندی عناصر را می‌پرستیدند ولی زودتر از آریان‌های هندی ترقی کرده به توحید رسیده‌اند و با پدید آمدن زرتشت، اعتقاد به خدای یگانه، پایه محکمی یافته است.<sup>۵</sup>

باید در نظر داشت که ایرانیان زمان زرتشت، مردم بدوی و بی‌تمدنی نبودند، بلکه بالعکس، پس از ورود به این آب و خاک وارث تمدن کهنی شدند که اکتشافات آثار پیش از تاریخ این چند ساله، گواه آن است. در حقیقت، ایزدان، برای ایرانیان آن زمان، اینقدر که امروز بی‌رنگ و مبهم به نظر می‌رسند نبوده‌اند. از افسانه‌ها و داستان‌های کهنی که به این تصاویر جان می‌بخشد، امروزه جز، وصف رنج‌ها و شکوه روانِ گاو نر (گوشورون) که یک افسانه قدیمی ایرانی است و در قالب زرتشتی ریخته شده است، چیزی باقی نمانده است.<sup>۶</sup>

دین زرتشت که مانند، شعله فروزانی، روشنی‌بخش سرزمین پهناور ایران گردید، البته به طور ناگهانی پدید نیامد، بلکه نتیجه تکامل عقاید پیشین بود که در ایران کهن وجود داشت.<sup>۷</sup>

### گستره اندیشه و فرهنگ ایرانیان

اختلاط اقوام و نژادهای آسیای قدامی، زمینه مساعدی برای امتزاج تمدن‌ها و دیانت‌های مختلف آماده می‌کرده است. فلسفه یونان با شرایع مشرقی آمیخته شد و نتایج گوناگون داد. از زمان‌های قدیم عقاید ایرانی و سامی در نواحی آرامیان بین‌النهرین مخلوط گردیده بود. عنصر جدیدی که در این داخل شد، عبادات اسرارآمیز مردم آسیای صغیر بود. افکار فلسفی یونان و نظریات کیمیاگران و افسونگران نیز در این معجون وارد گردید.<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup> -varuna

<sup>۲</sup> -mira

<sup>۳</sup> - آرتور کریستن سن، همان، ص ۶۳.

<sup>۴</sup> - همان، ص ۲۰۹.

<sup>۵</sup> - حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، همان، ص ۴۲.

<sup>۶</sup> - همان، ص ۲۸۸.

<sup>۷</sup> - جلیل دوستخواه، همان، ص ۴۲ پیشگفتار.

<sup>۸</sup> - آرتور کریستن سن، همان، ص ۵۶.

موافق نظر مسینا<sup>۱</sup> عالم ایران‌شناس، ماگو، کسی است که در مراسم «داد و دهش» (ماگا) یعنی اصول دین زرتشت شرکت می‌کند و به مراسم آن عمل می‌کند. بنابراین واژه موبد اساساً چیزی جز پرستندهٔ اهورامزدا نیست. کم‌کم واژهٔ مغ گسترش یافت و به روحانیان یا دینمردان به طور اعم اطلاق شد بدون اینکه این روحانیان مزدپرست الزاماً از قشری خاص و یا سخت‌گیر باشند.

موبدان در واقع مردانی وارسته و فرزانه بودند که شاهنشاهی ایران را شدیداً تحت تأثیر خود قرار دادند و معمولاً تربیت شاهزادگان به عهدهٔ آنان واگذار می‌شد و این ادعا که احدی نمی‌توانست پادشاه پارس‌ها شود مگر اینکه تربیت شدهٔ موبدان بوده باشد گزافه است.

چون شاهنشاهی ایران گسترش یافت، موبدان با طبقات روحانی سایر ملل و به خصوص کلدانیان مربوط شدند، پیوندهای سر راست‌تری میان این مغان و فرهنگ یونانی برقرار شد. در سنت آمده است که موبدی استانس<sup>۲</sup> نام، اندیشه‌های دینی ایرانی را در یونان رواج داده است.

دینمردان کلدانی در علم ستاره‌شناسی به حذاقت مشهور بودند و تحول معنای واژهٔ موبد نشان می‌دهد تا چه اندازه رابطهٔ مغان با کلدانیان در انتشار اعتقادات نجومی مؤثر بوده است.

همین مغان «یونانی مآب» آسیای صغیر بودند که مراسم پر رمز و راز مهرپرستی را خلق کردند و خدای مورد ستایش قاطبه مردم را محور مناسک سری و باطنی جلوه دادند. در هر صورت موبدان، قرون متمادی در آسیای صغیر ماندند و تأثیر عمیقی که موبدان آسیای صغیر در تکوین مناسک و آئین مهری داشته‌اند تردیدناپذیر است.<sup>۳</sup> معنویات و عوامل طبیعی که معبود اقوام مزبور بود، با اسامی یونانی خوانده شد. اساطیر یونانی و بابلی و ایرانی به هم درآمیخت و اشخاص افسانه‌های شرقی در لباس خدایان یونانی پنهان گشت.

اعتقاد به دو عالم جدا از یکدیگر، یکی عالم نیکی و دیگری بدی یا عالم نور و ظلمت و اعتقاد به بهشت و دوزخ و یوم‌الحساب و تجدید جهان و اعتقاد به ارتباط تام و پیوند عام مابین افراد انسان و قوای ملکوتی، همهٔ این معتقدات که مخصوص دین مزداهمی ایران بود، داخل افکار دینی آسیای قدامی شد.

<sup>۱</sup> -messina

<sup>۲</sup> -ostanes

<sup>۳</sup> - مارتین ورمازرن، آئین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، چاپ هفتم، انتشارات چشمه، ۱۳۸۷، صص ۲۱-۲۶.

یکی از فرق مزدیسنی که نجوم کلدانی در آن نفوذ کلی کرده و نزد مجوس‌های آسیای صغیر تکامل یافته بود، منشاء آئین «مهرپرستی» است که در امپراتوری روم توسعه یافت و در این آئین مهر را «خدای آفتاب» می‌دانستند.<sup>۱</sup>

مهر در زمان اردشیر دوم هخامنشی، حامی خانواده سلطنت شد و بعد از اسکندر در آسیای صغیر رواج یافت. پس از آن این مذهب به یونان رفت.<sup>۲</sup>

در میان شاهانی که پس از اسکندر در متصرفات اوپونتوس و ارمنستان و کوماگنه<sup>۳</sup> (ناحیه‌ای قدیمی در سوریه) حکومت می‌کردند، نام میتريدات (مهرداد) زیاد دیده می‌شود و این نشانه آن است که پرستش مهر در این نواحی معمول بوده. همین معنی را درباره پادشاهان اشکانی که بعضی از ایشان نام مهرداد را داشتند نیز می‌توان گفت.<sup>۴</sup>

مهرپرستی در زمان پومپه به روم سرایت کرد، بعد ترقی آن به جایی رسید که دیوکلئین و سایر امپراتوری‌های روم اعلام کردند که مهر حامی دولت روم است، زیرا پیروان این مذهب حکومت امپراتورها را، از طرف خدا می‌دانستند. مذهب مزبور پس از چندی به آلمان و فرانسه و انگلستان قدیم سرایت کرد. در قرن سوم میلادی، عیسویت با آن در جنگ شد و بالاخره در اواخر قرن چهارم میلادی غلبه کرد.<sup>۵</sup>

اسنادی مربوط به میترا وجود دارند که گویای این امر است که مردم در گذشته میترا را می‌شناختند. قدیمی‌ترین سند معاهده‌نامه باستانی میان هیتی‌ها و میتانی‌ها محتوی پیمانی است که از میترا و خدای آسمان برای پایداری این پیمان استعانت شده و بر سر پایداری این پیمان موافقت پیدا شده است. انعقاد این معاهده‌نامه را در چهارده قرن پیش از مسیح دانسته‌اند.<sup>۶</sup>

و اسنادی مربوط به یک قرن پیش از مسیح وجود دارند که از نیایش میترا صحبت می‌دارند اما از ماهیت و چگونگی آن سخن نمی‌گویند.

سنگ قبری در نمرود داغ یافته‌اند که به آنتیوخوس اول، اهل کماژن تقدیم شده و یکی دیگر را در آرسامه<sup>۷</sup> در کنار رود اورنت<sup>۸</sup> پیدا کرده‌اند که به مهرداد (میتريدات) پدر

<sup>۱</sup> - آرتور کریستن سن، همان، صص ۵۶ و ۶۵.

<sup>۲</sup> - حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، همان، ص ۲۹۲.

<sup>۳</sup> - kummagene

<sup>۴</sup> - مارتین ورمازرن، همان، ص ۶، (نقل مقاله از مترجم اثر، بزرگ نادرزاد با استفاده از دائرة المعارف فارسی مرحوم غلامحسین مصاحب، جلد دوم، بخش دوم).

<sup>۵</sup> - حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، همان، ص ۲۹۲.

<sup>۶</sup> - مارتین ورمازرن، همان، ص ۱۵.

<sup>۷</sup> - arsamee

<sup>۸</sup> - oronte

آنتیوخوس اهدا شده است. این دو سنگ قبر در نهایت شکوه تزئین شده‌اند. این دو پادشاه به قصد تکریم خدائی که مورد پرستش پدرانشان بوده، مجسمه‌های عظیمی از او ساخته‌اند و روی صفحهٔ پهناوری نصب کرده‌اند. این مجسمه‌ها به شکل خدایانی هستند که بر تخت‌های بزرگی نشسته‌اند و میان آنان آنتیوخوس امپراتور قرار گرفته که به هیئت نمرود ترسیم شده است (۶۹-۳۴ قبل از مسیح). در نوشته‌های زیر آن نام میترا با نام ژئوس، اهورامزدا با هرمس،<sup>۱</sup> آپولون با هلیوس،<sup>۲</sup> هراکلس با ورثرغنه،<sup>۳</sup> در یک زمان می‌آید. بنابراین دو پادشاه خدایان ایران را همچون ایزدان پاسدار خاندان خویش انگاشته‌اند.

اضافه بر آن نقش‌های برجسته‌ای که از میتريدات و پسرش بر جای مانده، آنها را در حالی نشان می‌دهد که دست در دست میترا دارند. سالروز مرگ پادشاهان گذشته را هر سال طی مراسمی متذکر می‌شوند.

بنابر آنچه گذشت، میترا جزء خدایان ملی است و به این صفت مشهور، در هر صورت استاس<sup>۴</sup> شاعر در سال‌های ۸۰ پس از مسیح، میترا را به اینگونه توصیف می‌کند: «خدایی که زیر صخرهٔ غارهای ایران چمباتمه زده شاخ‌های سرکش خود را می‌گرداند و بازمی‌گرداند.»<sup>۵</sup>

پلوتارک<sup>۶</sup> می‌گوید که در ۶۷ ق.م، آئین مهرپرستی وارد ایتالیا شد. دزدان دریایی کیلیکیا که متحدان مهرداد پادشاه پونتوس بودند، آئین و اعمال سرّی خاصی انجام می‌دادند که پس از درآمدن به اسارت پومپیوس سردار رومی این آئین را با خود به ایتالیا بردند. معلوم می‌شود که کیلیکیا همواره از مراکز مهم مهرپرستی بوده است، زیرا در قرن ۳ م، در زمان گوردیانوس سوم سکه‌هایی که روی آن مهر در حال کشتن گاو نر ترسیم شده است در کیلیکیا در شهر طرسوس ضرب شده. در شهر عین زر به واقع در نزدیکی طرسوس در کیلیکیا یک مهرباب مهرپرستی پیدا شده است و قدیمی‌ترین کتیبهٔ مهرپرستی که حاکی از وقف به مهر و تقدیس شخصی (روحانی یا سرّی) به مهر است به دست آمده است.

<sup>۱</sup> - hermes

<sup>۲</sup> - helios

<sup>۳</sup> - verethra-gna

<sup>۴</sup> - stace

<sup>۶</sup> - plutorques

<sup>۵</sup> - مارتین ورمازرن، همان، صص ۳۳ و ۳۴.

ظاهراً در برابر استعمار رومیان یک نوع مقاومت سری که افراد آن خود را با تشریفات و مراسم سری خاصی متحد و متعهد می‌کردند پیدا شده بوده است. این اجتماعات سری، خاص مردان بوده و صفت لشکری و نظامی داشته است. راهزنان دریایی کیلیکیا برای اجرای مراسم آئین سری خود غارهایی در زمین می‌کنند. پس از آنکه مهرپرستی به ایتالیا رفت معابد مهرپرستی به صورت غار بنا می‌شد. برندگان مهرپرستی به روم سربازان رومی بودند.

مهرپرستی از همان آغاز آئینی برای گروه‌ها و دسته‌های کوچک بود و این امر از معابد کوچک مهر که اکنون در اروپا پیدا شده است معلوم می‌شود و چنانکه گفته شد در اصل هم معابد مهر در غارها بود. آنجا که خاک زمین برای بنای معابد غاری و زیرزمینی مساعد نبود معابد مهر را بر روی زمین بنا می‌کردند.<sup>۱</sup> غار مهری نماد چرخ گردون است. صخره هم کنایه از آسمان است که نور بر زمین می‌پاشد.<sup>۲</sup>

این نکته را هم باید خاطرنشان کرد که غار مهری هر چقدر هم وسیع باشد ناگزیر بیش از عده محدودی از مهرپرستان را نمی‌تواند در خود جای بدهد. این شد که چاره‌ای اندیشیدند. به این ترتیب که هر قدر بر شماره مهری‌ها افزوده می‌گشت به همان اندازه بر ابعاد پرستش‌گاه می‌افزودند ولی سرانجام دیر یا زود مجبور به تأسیس پرستش‌گاهی جدید در جای دیگری شدند و به این منوال آئین مهری تکیه‌گاه‌های جدیدتری تحصیل می‌کرد.<sup>۳</sup> آنطور که از ظواهر برمی‌آید تبدیل پرستش عمومی و آشکارای مهر به مجامع سری در قرون اول و دوم پیش از مسیح محقق شده است.<sup>۴</sup>

به عقیده مورخ رومی آپیانوس<sup>۵</sup> (اواسط قرن دوم مسیحی)، مهرپرستان روم، بازماندگان ارتش مغلوب مهرداد اوپاتور<sup>۶</sup> هستند که دریازنان را به اسرار آئین مهری واقف کردند و ارتش مهرداد متشکل از قبایل متعدد شرقی بود.<sup>۷</sup>

در سال ۶۶ مسیحی تیرداد اول، پادشاه ارمنستان چون به پادشاهی برگزیده شد، تصمیم گرفت تاج سلطنت را از دست نرون بگیرد. به این منظور از تراس<sup>۸</sup> و ایلیری<sup>۹</sup> و

<sup>۱</sup> - مارتین ورمازرن، همان، ص ۷، (مقاله... همان).

<sup>۲</sup> - همان، ص ۹۴.

<sup>۳</sup> - همان، صص ۴۳ - ۴۴.

<sup>۴</sup> - مارتین ورمازرن، همان، ص ۲۶.

<sup>۵</sup> - appien

<sup>۶</sup> - mithridate eupator

<sup>۸</sup> - thrace

<sup>۹</sup> - illyrie

<sup>۷</sup> - مارتین ورمازرن، همان، ص ۳۱.

پیسنوم،<sup>۱</sup> عبور کرد و در این سفر پای خویش را به آب نیالود، چرا که او موبد بود و نمی‌خواست عنصر مقدس آب را بیالاید. پس از نه ماه سفر پیروزمندانه به ناپل رسید و سپس به روم رفت. ورود تیرداد با آن همه شکوه و جلال خاص پادشاه شرق، همچون منظره‌ای با عظمت در دیده رومیان جلوه کرد. همراه تیرداد سه هزار سوار پارتی در جولان بود و جزء موکب وی موبدان بودند.

چون موقع تاج‌گذاری فرا رسید، تیرداد به این منوال با نرون سخن گفت: «من پادشاهم. از تخمه ارشک، از دودمان پادشاهانی چون بلاش و برادرش پاکروس. اما من بنده شما هستم و شما خداوند منید. به درگاهتان آمده‌ام تا همچون میترا پرستش‌تان کنم. هرچه گوئید همان خواهم شد زیرا که در دیده من شما، هم موایرا<sup>۲</sup> و هم تیشه<sup>۳</sup> هستید.»

تیرداد سخن به انجام نرسانده بود که نرون تاج کیانی خاص پادشاهان ایران را از سر او برگرفت و دیهیم مخصوص امپراتوران روم را بر جای آن گذاشت.

فرانتز کومون اینگونه تاج‌بخشی را با نیت تیرداد دائر بر متشرف کردن نرون به آئین مهرپرستی مربوط می‌داند. پلی نیوس مورخ رومی به این مراسم اشاره می‌کند و می‌گوید: «تیرداد نرون را از مراسم سحرآمیز شرکت در طعام دست جمعی آگاه کرد و این تشریفات همان سفره مندور و اهدائی به میتراست.»

اگر چنین قولی درست باشد، نرون اولین امپراتوری است که معرفتی بر دین مهری یافته است. نرون به علم مغیبات علاقه وافر نشان می‌داد و شاید اقبالی که به دین مهری می‌نمود به این امید بود که رموز این علم را از موبدان بیاموزد. اضافه بر این، نرون میل داشت رعایایش او را همچون ایزد خورشید نیایش کنند و در خانه زرینی که برای خود بر ساخته بود به راستی خود را ایزد خورشید تصور می‌کرد و در باغ قصرش تندیس عظیمی از او برپا بود که همچون خدای خورشید می‌نمود. نرون در جشن‌هایی که به افتخار تیرداد برپا کرد، دستور داد تا نمایش‌خانه پمپئی که در میدان مارس قرار داشت، چادری به رنگ ارغوان بکشند. روی این چادر تصویری از نرون نقاشی شده که در ارابه خورشید نشسته و ستاره‌های زرین دور و برش را گرفته‌اند. در هر حال، مسلم این است که ده سال بعد از این واقعه، دین میترا در روم حق اهلیت یافت و معروف همگان گشت.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - picenum

<sup>۲</sup> - moira

<sup>۳</sup> - tyche

<sup>۴</sup> - مارتین ورمازرن، همان، صص ۲۷ - ۲۸.



تقریباً روشن شده است که میترا خصوصاً در تارس مورد پرستش بوده، زیرا که صورت میترای کشنده گاو بر سکه‌های این شهر یافته شده و گردیانوس که خیال رفتن به میدان جنگ را داشته به احتمال قوی از این شهر گذر کرده است. چون شهر تارس بر سر چهارراهی قرار داشته محتمل است که از قدیمی‌ترین روزگاران آئین و مناسک تشریفی مهری در آن جای معروف بوده است. «پلوتارک» می‌گوید که: «دریازنان مقیم دامنه‌های کوه آلپ، بی‌حرمتی‌ها، نسبت به خدایان آلپی کردند. چون اینان پرستندگان ایزدان شرقی بودند به سایر خدایان صرفاً با نظر تحقیر می‌نگریستند به این دریازنان مردمان صاحب منصب نیز پیوستند و جمعاً به پرستش میترا پرداختند. فقط مردها مأذون به انجام دادن مراسم نیایش بودند.»

بنابراین محتمل است که پس از آنکه دریازنان شکست یافتند و امپراتور روم پمپه آنان را به ایتالیا کوچ داد، دین میترا را هم با خود به آنجا بردند.

قدیم‌ترین سندی که تعیین تاریخش آسان است، مجسمه‌ای است رومی. نوشته پایین مجسمه از کسی است به نام آسیموس که خود را زرخرید شخصی موسوم به ت-کلودیوس لیویانوس<sup>۱</sup> می‌خواند. اگر این لیویانوس همان فرمانده کشیکچیان امپراتور تراپانوس باشد، مجسمه مربوط به آغاز قرن دوم پس از عیسی می‌شود.

در این تاریخ است که راه برای آئین سری میترا باز شده و مقارن همین احوال است که میترا پیشرفت پیروزمندانه خود را آغاز می‌کند و تا کاپیتول و پالاتن نیز جلو می‌رود.<sup>۲</sup>

اما آخرین مدرکی که محتوی نام میترا است و در غرب یافته شده مربوط به پنج قرن پس از مسیح است. پس قروم متمدنی ناظر احترام مؤمنان نسبت به این خدا بوده است.<sup>۳</sup> مهرپرستان و همچنین سایر فرقی که در اصول دیانت زرتشت تغییر کلی داده و بدعت‌هایی نهاده بودند، عقاید و افکار زروانیه را قبول داشتند. بعضی از این فرقه‌ها، آهرمن پرست بودند یعنی به عبادت ائرمینیو می‌پرداختند. ایزدانی که بر روی سکه‌های هندوسکایی دیده می‌شوند معرف نوعی دیگر از آئین مزداهی است که تحت نفوذ و عقاید و شرایع هندی در ایران شرقی به وجود آمده بود و بعدها تحت‌الشعاع عقاید بودایی گردید.

در ایران غربی و به طور کلی در سراسر آسیای قدامی، افکار و تمدن یونانی موجب مزج مذاهب مختلفه شد.

<sup>۱</sup> - T. claudius livianus

<sup>۲</sup> - مارتین ورمازرن، همان، ص ۳۴.

<sup>۳</sup> - همان، ص ۱۵.

در خرابه‌های یک معبد زرتشتی واقع در نزدیک شهر پارسه که کمی بعد از ویران شدن این شهر به دست اسکندر بنا شده، کتیبه‌هایی به زبان یونانی یافته‌اند که در آن «آهوره مزدا» و «میتر» و «آناهیتا» به نام‌هایی یونانی «زویس ماگیستس»<sup>۱</sup> و «آپولون»<sup>۲</sup> و «آتنه»<sup>۳</sup> ذکر شده‌اند.

خدایان بابلی و یونانی را با خدایان ایران تطبیق کرده‌اند. مثلاً «آهوره مزدا» را با «بعل»<sup>۴</sup> و «میتر» را با «شمش»<sup>۵</sup>، «آناهیتا» را با «ایشتر»<sup>۶</sup> یکی دانسته‌اند. انتیخوس اول پادشاه کماژن،<sup>۷</sup> مجسمه‌های بسیاری از «زویس-ارماسدس»<sup>۸</sup> و «آپولون»، «میتراس»<sup>۹</sup> (مهر)، «هلیوس»<sup>۱۰</sup>، «هرمس»<sup>۱۱</sup> و «آرتاگنس»<sup>۱۲</sup> (ورثرغن= بهرام)، «هراکلس»<sup>۱۳</sup>، «آرس»<sup>۱۴</sup> و ایزدی که آن را «وطن من کماژن بسیار حاصلخیز» می‌نامند، برپا ساخت و مراسمی دائمی برای عبادت این خدایان یونانی و ایرانی مقرر فرمود.<sup>۱۵</sup>

با وجود این، تا حال، اثراتی از مهرپرستی در نزد عیسوی‌ها باقی مانده، از جمله، عید تولد مسیح یا، ن، ال، است که قبل از عیسویت، عید تولد مهر بوده.<sup>۱۶</sup> گاهشماری اوستایی نو و گاهشماری میلادی، بسیار تحت تأثیر گاهشماری میتراپی قرار دارند و گاهشماری یولیانی، کاملاً براساس این گاهشماری محاسبه و تقسیم شده است. گاهشماری یولیانی در دوره مسیحی با مبداء میلادی به عنوان گاهشماری میلادی پذیرفته شد.<sup>۱۷</sup>

1 - zeus magiststos

2 - opollon

3 - athene

4 - bel

5 - shamsh

6 - ishtar

۷ - از ۶۹ تا ۳۴ قبل از میلاد.

۸ - ارماسدس = آهوره مزدا، اورمزد.

9 - mithras

10 - helios

11 - hermos

12 - artagenes

13 - heracles

14 - ares

۱۵ - آرتور کریستن سن، همان، صص ۶۵ - ۶۶.

۱۶ - حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، همان، صص ۲۹۲.

۱۷ - گاهشماری در ایران باستان، ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، قابل دسترس در: [www.fa.m.wikipedia.org](http://www.fa.m.wikipedia.org)

## اخلاق

آریان‌های ایرانی وقتی که به ایران آمدند از حیث تمدن پست‌تر از همسایه‌های خود یعنی بابل و آسور بودند و چیزهای زیادی از آنها اقتباس کردند، ولی در اخلاق بر آنها برتری داشتند، چه معتقدات مذهبی آنها سعی و عمل یعنی کوشش و کار کردن را با، راستی و درستی، تشویق می‌کرد و ایرانی‌های قدیم، دروغ را یکی از بزرگ‌ترین ارواح بد می‌دانستند.<sup>۱</sup> در نظر آریان‌های ایرانی، خلقت میدان جنگی است. جنگ خوبی با بدی، یا روشنایی با تاریکی و انسان از جنگی‌های این میدان می‌باشد. آدم پرهیزگار به عقیده آنان کسی است که بهتر و بیشتر بتواند به آفرینش خوب کمک کند و با آفرینش بد خصومت ورزد. کارهایی که کمک کردن به خوبی می‌باشد اینهاست: ساختن خانه، احیا کردن زمین، تخم‌آفشانی بسیار، کندن کاریز، نشانیدن درخت‌های مثمر، نگاه داشتن و تربیت حیوانات اهلی بزرگ و کوچک.

این کارها را هرّمزد، دوست دارد ولی آیا برای رستگاریِ فاعل آن کافی است؟ نه. برای رستگاری، مزداپرست باید نزدیکان خود را دوست بدارد و قلباً دوست هرّمزد و دشمن اهریمن باشد. از کجا معلوم می‌شود که مزداپرست این صفات را داراست؟ از اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک و از تشویق اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک. اندیشه نیک: عبارت است از اینکه هرّمزد را دوست دارند و خوبی را مطلقاً از او دانند و از تکبر و بی‌اعتقادی و حسد و بخل بپرهیزند.

گفتار نیک: یعنی عبادت و احتراز از دروغ‌گویی و تقلب و دعوا کردن و فحش دادن و غیبت و افترا.

کردار نیک: اجرای آداب مذهبی و عمل کردن به تقوا و صدقه دادن و کمک نمودن به ضعفاء و خودداری از چیزهایی که ممنوع است.

حمد و نیاز دادن و قربانی کردن برای او، وقتی مقبول است که این سه صفت در مزداپرست باشد و الا نتیجه ندارد.<sup>۲</sup>

در اوستا آمده است: «اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک را که در اینجا و هر جای دیگری ورزیده شده است و ورزیده خواهد شد، درود می‌گوییم و خود نیز با جان و دل به نیکی می‌کوشیم.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، همان، ص ۴۲.

<sup>۲</sup> - همان، صص ۲۹۶ - ۲۹۷.

<sup>۳</sup> - اوستا، یسنه- هات ۱۹- بند ۱۹.